Urmia University

Journal of Interdisciplinary Studies of Persian Language and Literature

Vol. 1, No. 3, autumn 2025

Online ISSN: 3060-7515
https://jispll.urmia.ac.ir/

Interdisciplinary Studies of Persian Language and Literature

Examining Conceptual-Orientational Metaphor in Makhzan al-Asrar

1- Hamid Reza farzi[1]
2- Samaneh khorramdel

1- Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz-Iran.
2- PhD Student of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad university, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Received:
2024/10/22
Accepted:
2024/11/05
pp:
16- 28

Keywords:
Conceptual metaphor;
Directional metaphor;
Nizami;
Makhzan al-Asrar;

ABSTRACT

From the perspective of cognitive linguists, metaphors in language serve an aesthetic function, helping us understand and recognize abstract concepts through them. Therefore, they are tools that lead to the discovery of the speaker's thinking system, and how to think is learned through them. Conceptual metaphors comprise three main categories, of which Orientational metaphors have the highest frequency. The reason for this is the general public's familiarity with the concept of place. Mystical texts and those that contain mental and abstract concepts often require more metaphors, as metaphors help these concepts take on an objective form. Nizami is one of the poets who expressed his thoughts on ruling, philosophy, mysticism, and religion in metaphors in the Masnavi of Makhzan al-Asrar. He has prominently used directional metaphors to express and understand these ideas. The reason for this is the audience's easy understanding of the concept of place and the meaning of directions. In this research, prominent directions in the reservoir of secrets have been extracted, and the concepts expressed by the poet using spatial directions have been examined and analyzed. The result of the research is based on the fact that Nizami has expressed many mystical concepts by directional metaphors: self-abandonment, disconnection, worldliness, indifference, value, worthlessness, benefiting from the grace of truth, spirituality, materiality, and having mastery over the self and the world are among the concepts that are expressed using spatial metaphors.

Citation: farzi, H., & khorramdel, S. (2025). Examining Conceptual-Orientational Metaphor in Makhzan al-Asrar. Interdisciplinary Studies of Persian Language and Literature, 1(3), 16-28.

© The Author(s).

Publisher: Urmia Univertsity.

DOI: https://doi.org/10.30466/jispll.2024.121798

DOR: https://dorl.net/dor/20.1001.1.30607515.1403.1.3.2.1

[1] **Corresponding author: Author Name, Email: farzi@iaut.ac.ir, Tell: +9809144187912**

نشریه مطالعات میان رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی

دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

شاپا الکترونیکی: ۷۵۱۵-۳۰۶۰

https://jispll.urmia.ac.ir/

بررسی استعارهٔ مفهومی–جهتی در مخزن الاسرار نظامی

۱- حمیدرضا فرضی [۱]

۲- سمانه خرمدل مهربان

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز،دانشگاه آزاد اسلامی،تبریز–ایران

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

دریافت:
۱۴۰۳/۰۸/۰۱

پذیرش:
۱۴۰۳/۰۸/۱۵

صص:
۲۸-۱۶

واژگان کلیدی:
استعارهٔ مفهومی، استعارهٔ جهتی، نظامی، مخزن الاسرار.

چکیده

از دیدگاه زبان‌شناسان شناختی، استعاره‌ها در زبان فقط کارکرد زیبایی‌شناسانه ندارند بلکه به کمک ما می‌آیند تا مفاهیم انتزاعی به وسیلهٔ آنها درک و شناخته شوند؛ از این رو به منزلهٔ ابزارهایی هستند که به کشف نظام فکری گویندگان منجر می‌شوند و چگونه اندیشیدن نیز به وسیلهٔ آنها آموخته می‌شود. استعاره های مفهومی به سه دستهٔ عمده تقسیم می‌شوند که در این میان استعاره‌های جهتی از بسامد بالایی برخوردارند؛ دلیل این امر آشنایی عموم مردم با مفهوم مکان است. متون عرفانی و در کل متونی که دربرگیرندهٔ مفاهیم ذهنی و انتزاعی هستند نیاز بیشتری به استعاره‌ها دارند؛ چون استعاره‌ها کمک می‌کنند تا مفاهیم صورت عینی به خود بگیرند. نظامی در زمرهٔ شاعرانی است که در مثنوی مخزن‌الأسرار، اندیشه‌های حکمی، فلسفی، عرفانی و دینی خود را در قالب استعاره‌ها بیان داشته‌است. او برای بیان و تفهیم این اندیشه‌ها از استعاره‌های جهتی به طور برجسته استفاده کرده‌است. دلیل این امر درک آسان مفهوم مکان و به درک معنی جهات از سوی مخاطب است. در این پژوهش ابتدا جهت‌های برجسته در مخزن‌الاسرار استخراج شده و مفاهیمی که شاعر آنها را با استفاده از جهت‌های مکانی بیان کرده بررسی و تحلیل شده‌است. دستاورد پژوهش مبنی بر این است که نظامی بسیاری از مفاهیم عرفانی متناسب را با استعاره‌های جهتی بیان کرده‌است: ترک خود، قطع تعلقات، دنیاگریزی، بی‌توجهی، ارزشمندی، بی‌ارزشی، بهره‌مند بودن از فیض حق، معنویت، مادیت و تسلط داشتن بر خود و جهان از جملهٔ مفاهیمی هستند که با استفاده از استعاره‌های مکانی بیان شده‌اند.

استناد: فرضی, حمیدرضا و خرمدل مهربان، سمانه. (۱۴۰۴). بررسی استعارهٔ مفهومی–جهتی در مخزن الاسرار نظامی. مطالعات میان رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، ۱(۳)، ۱۶-۲۸.

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه ارومیه.

DOI: https://doi.org/10.30466/jispll.2024.121798

DOR: https://dorl.net/dor/20.1001.1.30607515.1403.1.3.2.1

[۱] **نویسنده مسئول:** مصطفی آرزومند لیالکل ، **پست الکترونیکی:** farzi@iaut.ac.ir ، **تلفن:** ۰۹۱۴۴۱۸۷۹۱۲

۱– مقدمه

در بلاغت سنتی، کارکرد استعاره، محدود به زیبایی‌شناسی کلام است و اثری ادبی‌تر تلقی می‌شود که استعارات و تشبیهات بکر در آن کاربرد فراوانی داشته باشد؛ این در حالی است که امروزه، زبان‌شناسان شناختی، کارکرد وسیعی برای استعاره تعریف می‌کنند؛ آنان استعاره را از حوزهٔ ادب خارج کرده و به تمام زبان تعمیم می‌دهند. به باور آنان، زبان عادی و روزمرهٔ انسان مملو از استعاره‌هاست و ما بدون استفاده از استعاره، ناتوان از برقراری ارتباطی مؤثر هستیم. استعاره‌ها مفاهیم ذهنی ما را عینیت می‌بخشند، پیام‌های انتزاعی را که قابل بیان با زبان مستقیم نیستند، قابل بیان نموده و بسیاری از آنها را قابل لمس و درک می‌کنند. استعاره‌های مفهومی مهم‌ترین حوزه‌هایی هستند که با درک آنها می‌توان به نظام فکری گوینده پی برد و اندیشهٔ جاری در ذهن شاعران و نویسندگان را تبیین کرد. از این رو استعاره های مفهومی، کارکردی شناختی دارند. می‌توان گفت استعاره‌های مفهومی، اموری محسوس و عینی هستند که مفاهیم را قابل درک می کنند؛ از این رو در خلق این نوع از استعاره‌ها از الفاظی استفاده می‌شود که در طبیعت پیرامون ما وجود عینی داشته یا محصول تجربیات روزمرهٔ انسان‌ها باشند.

مخزن‌الاسرار نظامی به دلیل دربرداشتن مفاهیم انتزاعی به ویژه مفاهیم عرفانی و فلسفی، در زمرهٔ آثار ادبی تاریخ ادبیات ایران به شمار می‌رود که استعاره‌های مفهمومی در آن جایگاه ویژه‌ای دارند. در این میان، استعاره‌های مفهومی– جهتی به دلیل این که مفهوم مکان را شامل می‌شوند، نسبت به استعاره‌های دیگر در این مثنوی از بسامد بالایی برخوردارند. نظامی واقف است که مفهوم مکان برای همهٔ مخاطبان شعر وی قابل لمس است؛ از این رو برای بیان مفاهیم انتزاعی ذهنی خود به کرّات از جهت‌های مکان سود جسته است.

۱- ۱- پیشینهٔ تحقیق

با توجه به اینکه در پژوهش‌های ادبی، بررسی استعارهٔ مفهومی موضوعی جدید به شمار می‌رود، تحقیقات اندکی در این خصوص صورت گرفته است که همین اندک نیز می تواند به عنوان پیشینهٔ تحقیق، در این نوشتار مورد استناد قرار بگیرد. مقالهٔ « استعارهٔ مفهومی خشم در دیوان خاقانی» به قلم عصمت دریکوند و همکارانش (۱۳۹۹) به جایگاه نگاشت خشم در خلق استعارهٔ مفهومی پرداخته و تبحر خاقانی در ترسیم حوزهٔ مبدأ در تبیین مفهوم خشم را بیان کرده است. در مقالهٔ «استعارهٔ مفهومی آتش در خمسهٔ نظامی» به قلم عباس مکوندی و همکارانش (۱۳۹۵)، آتش به عنوان حوزهٔ مبدأ در شعر نظامی مورد تحلیل قرار گرفته و مفاهیم انبوهی که با استفاده از استعارهٔ مفهومی آتش در شعر نظامی بیان شده، استخراج شده است. در مقالهٔ «استعارهٔ زمان به مثابهٔ حرکت در مکان در اشعار سهراب سپهری» به قلم حمیدرضا اکبری و لیلا صالح نژاد (۱۳۹۵) به بررسی استعارهٔ زمانی با تکیه بر نظریهٔ معاصر استعارهٔ لیکاف پرداخته است. محمد باقر شهرامی و همکارانش (۱۳۹۶) در مقالهٔ با عنوان «بررسی ساختار شعری مجموعهٔ تولدی دیگر بر مبنای استعارهٔ شناختی» به بررسی نظریهٔ استعارهٔ معاصر پرداخته و در ادامه انواع استعاره‌های مفهومی در شعر فروغ فرخزاد را مورد تحلیل قرار داده است. عباس محمدیان و همکارش (۱۳۹۷) در مقالهٔ «استعارهٔ مفهومی شادی در دیوان شمس» به بررسی حوزه‌هایی پرداخته که مفهوم «شادی» توسط آنها به تصویر کشیده و به این نتیجه دست یافته است که در نظام فکری مولانا، شادی امری است که با حواس پنجگانه قابل درک است.

۱- ۲- مباحث نظری

استعاره پیش از این در دانش بلاغت به منظور تزئین کلام و تقویت جنبهٔ زیبایی‌شناسی سخن مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ این در حالی است که در اواخر قرن بیستم، زبان‌شناسان به مقولهٔ استعاره از منظری متفاوت نگریسته‌اند. در این دیدگاه، استعاره با رویکرد شناختی پا میدان گذاشته و به منزلهٔ ابزاری درآمده که با تمسک بدان می‌توان به درک و شناخت موضوعات و مفاهیم انتزاعی

دست پیدا کرد. در این مفهوم، «استعاره در بنیان خود، فرایندی شناختی و ذهنی است که در زبان نمودار می‌شود» (بهنام، ۱۳۸۹ : ۹۲). در استعارهٔ مفهومی، اساس کار بر مفاهیم انتزاعی استوار است و هدف آن، انتقال و تبیین مفاهیم انتزاعی است. کسانی از آن در زبان و کلام خود استفاده می‌کنند که می‌کوشند یک مفهوم انتزاعی را –که به طور مستقیم قابل درک نیست– از طریق استعاره بیان کنند؛ استعارهٔ مفهومی « الگوبرداری نظام مند بین عناصر مفهومی یک حوزه از تجربهٔ بشر که ملموس و عینی است، بر روی حوزهٔ دیگر است که معمولاً انتزاعی‌تر است؛ یعنی حوزهٔ مقصد» (همان: ۹۵). از دید زبان‌شناسان «زیربنای استعاره، درک و تجربهٔ امری با تکیه بر معنای امری دیگر است» (لیکاف و جانسون، ۱۹۹۲: ۵). لیکاف و جانسون اعتقاد دارند: «مفاهیم انتزاعی در حوزهٔ نظام مفهومی انسان، با بهره‌گیری از مفاهیم عینی سازمان‌بندی می‌شود؛ یعنی زبان به ما نشان می‌دهد که در ذهن خویش مفاهیم عینی را چگونه بیان یا درک می‌کنیم. آنها این نوع استعاره را که ریشه در زبان روزمره و متعارف دارد و اساساً مبتنی بر درک امور انتزاعی بر پایهٔ امور عینی و مفهومی یا تصوری کردن مفاهیم ذهنی است، استعارهٔ مفهومی یا ادراکی نامیدند» (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۴). زبان این نوع از استعاره، زبانی انحرافی است؛ کلمات در مفهوم اصلی خود استفاده نمی‌شوند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۳: ۳۹). آنچه در استعارهٔ مفهومی اتفاق می‌افتد، نگاشت بین دو حوزه است؛ ساختار استعاره بر پایهٔ همین نگاشت‌هاست «منظور از نگاشت، تطبیق ویژگی‌های دو حوزهٔ شناختی است که در قالب استعاره به هم نزدیک شده‌اند.» (لیکاف و جانسون، ۱۴۰۱ : ۲۳). مثلا اگر دو حوزهٔ مفهومی جداگانه را در نظر بگیریم که از عناصر متعدد تشکیل شده‌اند، نگاشت‌هایی میان این دو مجموعه ایجاد می‌شود که اساس استعاره را شکل می‌دهد، یعنی عنصرهایی از حوزهٔ مبدأ بر عنصرهایی از مجموعهٔ مقصد نگاشته می‌شوند. (هوشنگی، ۱۳۸۸: ۱۳و ۱۴).

مرزی که لیکاف بین استعاره بلاغی و مفهومی ترسیم می‌کند به روشنی، معنای استعارهٔ مفهومی را تبیین می‌کند: در استعاره‌های بلاغی، تصویری از یک حوزهٔ ملموس بر حوزهٔ دیگر انطباق می‌یابد؛ مثلاً در عبارت «گل رخ»، استعارهٔ بلاغی به کار رفته است؛ زیرا تصویر گل بر رخسار معشوق منطبق شده است. ولی در استعاره از نوع مفهومی، عناصر مفهومی از یک حوزهٔ ذهنی به حوزهٔ ذهنی دیگر منتقل می شوند. (lakoff. 2006:215) با توجه به این نکته، می‌توان گفت در این نوع از استعاره‌ها اساس کار بر پایهٔ مفاهیم است نه واژگان. لیکاف و جانسون معتقدند بنیان این استعاره‌ها بر پایهٔ تشبیه نیست بلکه اینها تجارب محیطی هستند که بین دو حوزهٔ مفهومی جدا از هم تشکیل می‌شوند. (lakoff&jahnson. 1980: 244) لیکاف بر این باور است که استعاره‌ها فقط ابزاری برای بیان اندیشه‌ها نیستند بلکه شیوه‌ای برای اندیشیدن دربارهٔ چیزها هستند. (همان: ۳۷) از این رو استعاره‌ها می توانند بیانگر زیر ساخت‌های فکری ما باشند. (راسخ مهند، ۱۳۹۶: ۶۲) مثلاً در عبارت «وقت، پول است» ارزشمند بودن «وقت» برای گویندهٔ عبارت، زیرساخت فکری او دربارهٔ «وقت» را نشان می‌دهد.

لیکاف و جانسون در مطالعات خود، استعاره‌های مفهومی را به سه بخش عمده تقسیم کردند: ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی. (lakoff&jahnson. 1980: 139) در استعاره از نوع ساختاری، یک مفهوم برای شکل دادن چارچوب مفهوم دیگر به صورت استعاری استفاده می‌شود. استعارهٔ ساختاری، قلمرو مقصد کاملاً مشخصی دارد و سبب می‌شود قلمرو مبدأ انتزاعی به خود شکل بگیرد (همان: ۲۵). استعاره‌های هستی‌شناختی محصول رویارویی و تجربهٔ آدمی با پدیده‌های دنیای پیرامون به ویژه اشیا هستند. (همان: ۲۳). وظیفهٔ استعاره‌های هستی‌شناختی، ملموس‌کردن مفاهیم غیرمادی و غیرفیزیکی است چنان که گویا مفاهیم انتزاعی قابل تجربه کردن و ملموس هستند؛ مثلاً در جملهٔ «ترس بر دلم دشنه زد»، دشنه در حکم شیئی است که ترس را برای ما تجربه‌پذیر و ملموس می کند. (یگانه و افراشی، ۱۳۹۵: ۱۹۸) آنچه در این نوشتار مدنظر است، استعاره از نوع جهتی است؛ در استعاره‌های جهتی، جهت‌های مختلف بنابر مقتضای کلام، به عنوان حوزه مبدأ به کار گرفته می‌شوند: «در استعاره‌های جهتی، نظامی کلی از مفاهیم با توجه به مفاهیمی دیگر سازمان‌بندی می‌شوند. وظیفهٔ این نوع از استعاره‌ها بیش از هر چیز برقراری انسجام در نظام مفهومی ماست» (حضرتی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۵). استعاره‌های جهتی یکی از مهم‌ترین انواع استعاره‌های مفهومی و پرکاربردترین آنهاست، دلیل این امر، آشنایی آدمی با مفهوم مکان است. همهٔ افراد به روشنی، مکان را می‌شناسند و مکان شامل

جهت‌هاست؛ بالا، پایین، راست، چپ، ... از خصوصیات مکانی هستند که افراد با درک کامل از آنها، می‌توانند مفاهیم انتزاعی را عینیت ببخشند. برای تبیین این مسئله می‌توان به چند مثال ساده اشاره کرد: «در اوج موفقیت نشسته است»؛ «اندوه آدمی را زمین‌گیر می‌کند»؛ «از شادی، بال درآورده است.»؛ «او به بخت خود پشت کرد». «استعاره‌های جهتی با تصویر فضای هندسیی که در ذهن به وجود می‌آورند، مفهومی جدید و در نتیجه درکی جدید می‌آفرینند. گویی در این دست از استعاره‌ها با یک مبنای مفهومی سروکار داریم که اجزای درونی‌اش با استفاده از حوزهٔ مقصد پر می‌شود» (حضرتی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۵). مثلاً جملهٔ «خودش را بالا کشید.» را در مورد کسی به کار می‌بریم که مشهود است به خوب شدن و ما به وضعیت چشمگیر فرد در مدتی کوتاه اشاره می کنیم؛ بنابراین، میان وضعیت خوب و موقعیت مکانی بالا همانندی قائل می‌شویم. پس می‌توانیم نتیجه بگیریم که بالا خوب است و پایین بد. (همان) مثلاً واژهٔ اوج، نهایت موفقیت را منتقل می‌کند، واژهٔ زمین‌گیر، جهت پایین را نشان داده و شکست و درجا زدن و ناتوان شدن را به مخاطب منتقل می‌کند. بال درآوردن بیانگر جهت بالا از لحاظ مکانی است، و نهایت شادمانی است. پشت کردن نیز عنوانی مکانی است که مفهوم روی‌گردانی را ترسیم می‌کند. البته ناگفته نماند که این اصطلاحات ماحصل تجربه‌های انسان در زندگی است و چنین نیست که هر گوینده‌ای به طور دلخواه از آنها استفاده کند. «در استعاره‌های جهتی، گوینده بین یک مفهوم انتزاعی و یک جهت مکانی، ارتباط متقابل ایجاد می‌کند. به کارگیری جهت‌های مکانی برای مفهوم‌سازی، ریشه در این نکته دارد که همهٔ ما دارای جسم با کارکردی مخصوص به خود هستیم که این جسم و کارکردهایش در شرایط فیزیکی معنا می‌یابد. استعاره‌های جهتی می‌کوشند به یک مفهوم غیر مکانی، جهت مکانی بدهند» (پور ابراهیم ، ۱۳۹۲: ۷۶). ارسطو برای اولین بار در سال ۱۳۸۳م. مکان را به عنوان یکی از مقوله‌های ده‌گانه مطرح کرد. مکان برخوردار از جهت است. انسان به سهولت می‌تواند مکان‌ها و جهات آن‌ها را درک کند و این درک و دریافت کمک می‌کند انبوهی از مفاهیم انتزاعی را هم بر اساس درک مفهوم جهات، دریابد. (یگانه و افراشی، ۱۳۹۵: ۱۹۴)

۲– بحث و یافته‌های تحقیق

نظامی در زمرهٔ شاعران سرآمد تاریخ ادبیات ایران به شمار می‌رود که خمسهٔ او، نام وی را در آسمان تاریخ ادبیات ایران ماندگار کرده است. مخزن‌الاسرار وی به ملک فخرالدین بهرام شاه بن داود والی آذربایجان تقدیم شده است. این مثنوی با بن‌مایه‌های تعلیمی سروده شده و دربرگیرندهٔ اندیشه‌های انتزاعی و حکایت‌هایی با رنگ‌وبوی پند و موعظه است. (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۳۷) مخزن‌الاسرار از لحاظ ساختاری شامل بیست مقالت و یک خاتمه است. آغاز این مقالت‌ها، با داستان آفرینش آدم (ع) رقم می‌خورد و خاتمه مقالت‌ها، مطالبی درباره وقاحت ابنای عصر است. از دیدگاه ثروتیان، محور اصلی مثنوی مخزن‌الاسرار، حکمت و معرفت است. وی سخن نظامی را در حوزهٔ سحر و اعجاز می‌بیند و معتقد است به کارگیری راز و رمزها در کلام، سبب سحرانگیزی کلام نظامی شده است. او برای تأیید سخن، به قولی از نظامی استناد می‌کند که فرموده است: شعر را از مصطبهٔ دربار و حاکمان به مسجد و خانقاه رساندم و رنگی از حکمت و دین بر اشعار مدحی زدم. (ثروتیان، ۱۳۸۲: ۵۵)

با توجه به محتوای این مثنوی و با در نظر گرفتن این نکته که نظامی در این اثر بیشتر به دنبال طرح اندیشه‌های انتزاعی خود بوده، می‌توان حدس زد استعاره‌های مفهومی در راستای عینیت بخشیدن به مفاهیم ذهنی شاعر در این اثر جایگاه مهمی دارند. در این میان استعاره‌های جهتی به دلیل سهولت در درک آن‌ها، از بسامد بالایی برخوردارند.

به منظور بررسی کارکردهای این نوع از استعاره در مخزن الاسرار، استعاره های جهتی مانند بالا و پایین، رو و زیر، درون و برون، پشت و جلو، دور و نزدیک مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است:

۲- ۱- نگاشت استعاری بر پایهٔ جهت «بالا»

حوزهٔ مبدأ: بالا، آتش، سر، افراختن. حوزهٔ مقصد: برتری، ارزشمندی، کمال، تیزتکی، منزلت والا و تسلط و چیرگی.
نظامی در مخزن الاسرار، نگاشت استعاری «بالا» را سه مرتبه به طور مستقیم برای بیان مفاهیم زیر به کار برده است. جهت«بالا» برای همه افراد، قابل تجربه کردن است:

-ارزشمندی:

شاعر با اتکا به تصویر فضای هندسی می‌داند که «بالا» ارزشمند است، لذا در بیت زیر ارزشمند شدن خاک را با استعارهٔ جهتی بالا بیان می‌کند:

چرخ به زیر آید و یکتا شود چرخ زنان خاک به بالا شود

(نظامی، ۱۳۸۳، مخزن‌الأسرار: ۱۰۴)

-کمال:

تکامل یعنی یک موقعیت خوب و ارزشمند، استعارهٔ جهتی «بالا» به عنوان پدیده‌ای که «بهتر می‌شناسیم»، به کمک ما می‌آید تا پدیدهٔ «کمال» را بهتر بشناسیم. موقعیت مکانی «خوب» برای توصیف نخلی که تمایل به رشد دارد، استعارهٔ جهتی «بالا»ست:

نخل چو بر پایهٔ بالا رسد دست چنان کش که به خرما رسد

(همان:۳۸)

-منزلت والا:

عینیت بخشی به حال عرفا زمانی که مراحل اوج قرب را تجربه می‌کنند، با استفاده از استعارهٔ جهتی بالا بیان شده تا مخاطب، رشد و کمال عارفان را لمس کند:

سایم از این سرو تواناترست پایم از این پایه به بالاترست

(همان: ۱۵)

علاوه بر این، هشت مرتبه، استعارهٔ جهتی «بالا» در قالب واژگانی که تداعی‌کنندهٔ جهت «بالا» هستند، استفاده شده‌است:

-واژهٔ آتش: به عنوان یکی از عناصر اربعه به دلیل قرار گرفتن در مرتبه‌ای بالاتر از دیگر عناصر، تداعی‌گر جهت بالاست و نظامی آن را برای بیان مفهوم ارزشمندی استفاده کرده است؛ به این ترتیب که شاعر به دلیل جایگاه والایی که برای خود قائل است، خود را محرم دود نمی‌داند و برای نشان دادن این جایگاه از استعارهٔ جهتی با نگاشت «آتش» استفاده می‌کند:

آتش من محرم این دود نیست کان نمک این پاره نمک‌سود نیست

(همان: ۱۵)

-واژهٔ «سر»: بر مبنای تجربهٔ فردی، سر در مکانی بالا قرار دارد و نظامی آن را برای بیان مفاهیمی به کار برده که مفهوم دو حوزه بر هم منطبق می‌شوند. در بیت زیر شاعر در نعت پیامبر اکرم (ص)، برای نشان دادن جایگاه برتر رسول الله، او را «سر خیل» و «سر خیر» معرفی کرده است:

بر همه سر خیل و سر خیر بود قطب گرانسنگ سبک سیر بود

(همان: ۴)

تاج سر چون در بالای سر قرار می‌گیرد، شاعر برای بیان منزلت والای پیامبر(ص) در شب معراج از آن استفاده می‌کند:

بحر زمین کان شد و او گوهرش برد سپهر از پی تاج سرش گوهر شب را به شب عنبرین گاو فلک برد ز گاو زمین

(همان: ۵)

-فعل افراختن از جملهٔ افعالی است که بیانگر جهت بالاست و شاعر برای بیان سلطه و فتح ممدوح از این فعل استفاده کرده است:

فتح تو سر چون علم افراخته خصم تو سر چون قلم انداخته

(همان: ۱۱)

در کل اثر، نگاشت استعاری «سر» شش مرتبه به کار رفته است:

-کمال: بر سر گردون شده دامن‌کشان؛ برتری: سر که رسد پیش تو پایی کند؛ منزلت والا: سر ننهد بر سر هر آستان؛ تسلط: بر سر کاری است در این کارگاه؛ تواضع: تاج سرم خاک کف پای تو.

۲- ۲ نگاشت استعاری بر پایهٔ جهت «زیر»

حوزهٔ مبدأ: زیر، پای، خاک، افکندن، افتادن حوزهٔ مقصد: بی‌ارزشی، مادیت، تسلط، دنیا، گذشته.

نظامی در اشعار متعدد با استفاده از نگاشت استعاری «زیر» و واژگان مرتبط با این جهت، مفاهیم انتزاعی مهمی را برای مخاطب قابل درک کرده است. نزدیک به نه مورد از استعارهٔ جهتی «زیر» به طور مستقیم برای بیان مفاهیم زیر استفاده کرده است:

-بی‌ارزشی:

شاعر برای بیان ارزشمندی مقام آدمی از تقابل این مفهوم استفاده کرده و مفهوم بی ارزشی را با استعارهٔ جهتی بیان کرده است: تو به اندازهٔ دو جهان ارزشمندی! پس چرا در مقام بی ارزشی(زیرزمین) مانده ای؟

ای دو جهان، زیر زمین از چه‌ای؟ گنج نه‌ای خاک نشین از چه‌ای؟

(همان: ۷)

بیت زیر شرح حال عارفانی است که خود را بی‌ارزش می‌کنند تا به تعالی برسند، به تعبیری سر زیر پا می‌اندازند تا به کمال راه یابند:

فرق به زیر قدم انداختم وز سر زانو قدمی ساختم

(همان: ۱۰)

علاوه بر این شاعر برای بیان بی ارزش بودن زر دوستان، (ص: ۱۴)، تسلط بر همهٔ جهان و خود(ص: ۳۶)(ص: ۴۴)(ص: ۵۷)، دنیای مادی(ص: ۳۸) و مفهوم گذشته(ص: ۴۲) از استعارهٔ جهتی «زیر» استفاده کرده است. نظامی از برخی واژگان و افعال که با معنی جهت «زیر» ترادف دارند، استفاده کرده و مفاهیمی انتزاعی ذهنی را بیان کرده است:

-پای:

«پای» به دلیل موقعیت مکانی، تصویر فضایی «زیر» را در ذهن ترسیم می‌کند. شاعر آنجا که قصد دارد مفاهیمی نزدیک به موقعیت مکانی«زیر» را بیان کند از حوزهٔ مبدأ«پای» سود می‌جوید؛ مفاهیمی مثل:

بی‌ارزشی: شاعر برای بیان مفهوم بی ارزش شدن از پای که بیانگر جهت«زیر» است استفاده می‌کند و «سر» که ارزشمندی را تجسم می‌کند در برابر محبوب به مقام بی‌ارزشی (پای) می‌رسد:

جغد به دور تو همایی کند سر که رسد پیش تو پایی کند

(همان: ۱۱)

شاعر مقام ارزشمند خود را تا مقام کمترین محبوب می‌رساند:

تا مگر از روشنی رای تو سر نهم آنجا که بود پای تو

(همان: ۱۲)

این مفهوم در بیت‌های متعدد با استفاده از واژهٔ پای، تکرار می‌شود: پایم از این پایه به بالاترست (ص: ۱۵)، وی گهر تاجوران پای تو (ص: ۲۲)، ما همه پاییم گر ایشان سرند (ص: ۳۱)، ورنه میفکن دبه در پای پیل (ص: ۴۲)، تات شگرفانه درافتد به پای (ص: ۵۲)، تاج سرم خاک کف پای تو(ص: ۵۳).

-خاک

-دنیای مادی:

خاک یکی از عناصر اربعه است و به دلیل قرار گرفتن در مقام پست‌تر، معمولاً برای بیان مفهوم پستی دنیای مادی استفاده می‌شود:

داغ نه ناصیه‌داران پاک تاج ده تخت‌نشینان خاک

(همان: ۱)

-بی‌ارزش بودن

خرد در برابر عظمت رسول الله (ص) چنان بی‌ارزش است که شاعر آن را خاک آستان پیامبر (ص) معرفی می کند. خاک به دلیل موقعیت فروتر خود، بی‌ارزش بودن را تداعی می کند:

احمد مرسل که خرد خاک اوست هر دو جهان بستهٔ فتراک اوست

(همان: ۶)

موارد متعددی از استعارهٔ جهتی «زیر» در قالب نگاشت خاک در مخزن الاسرار دیده می‌شود که بیشتر این کاربردها تداعی‌گر مفهوم بی‌ارزش بودن و پستی است: تا تو به خاک اندری ای گنج پاک (ص: ۷)، گلشکرش خاک سر کوی تست (ص: ۹)، خاک به اقبال تو زر می‌شود (ص: ۱۱)، سیم سخن زن که درم خاک اوست (ص: ۱۳)، خاکی و جز خاک نمی زیبدت (ص: ۲۰)، با همه چون خاک زمین پست باش (ص: ۲۰)، خاک نه‌ای زخم ذلیلان مخور (ص: ۲۸).

۲- ۳ نگاشت استعاری بر پایهٔ جهت «درون»

حوزهٔ مبدأ: درون حوزهٔ مقصد: بهره‌مندی

۱-درون

-بهره‌مندی

نظامی با کاربرد استعارهٔ جهتی «درون» به افرادی اشاره می‌کند که از قیدها رها شده‌اند، بهره‌مند از فضل حق‌اند و بدین ترتیب به پرورش فضایل می‌پردازند:

پرورش‌آموز درون‌پروران روز برآرندهٔ روزی‌خوران

(همان: ۱)

بی‌قلم از پوست برون خوان تویی بی‌سخن از مغز درون دان تویی

(همان: ۹)

-مراقبه و مکاشفه:

درون به عنوان یکی از جهات، ترسیم‌کنندهٔ یکی از حالات عارفان است. کسانی که به درون خود بازمی‌گردند، می‌توانند رشد کرده و به مقصود خویش نائل آیند. این افراد بهره مند از فیض حق‌اند. نظامی این مفاهیم انتزاعی در خصوص حال عارفان را با واژهٔ«درون» ترسیم کرده است:

خاص‌ترین محرم آن در شدم گفت: درون آی درون‌تر شدم

(همان: ۱۵)

-معنویت:

اهل درون، یعنی کسانی که راه به معرفت برده و اهل معنویت‌اند. چون در آداب عرفانی، مراقبه و سر در گریبان بردن یکی از شیوه‌های تزکیهٔ نفس محسوب می‌شود استعارهٔ جهتی «درون» به روشنی این حال و مقام عرفا را مجسم و قابل درک می‌کند:

صبحدمی با دو سه اهل درون رفت فریدون به تماشا برون

(همان: ۳۶)

مبارزه با نفس:

یکی از مفاهیم مهم عارفان در سلوک، مبارزه با هواهای نفسانی و تمایلات خود است. نظامی محل این نبرد و کشاکش را با استعارهٔ جهتی «درون» نشان می‌دهد؛ چون آدمی در وجود خود، با نفس مبارزه می‌کند. نظامی محل مبارزه را میدانی می‌بیند که در وجود آدمی است و با استفاده از اصطلاح مکانی «درون» بر آن است تا درگیری آدم با خواهش‌های نفس را بیان کند:

هر که سر از عرش برون می‌برد گوی ز میدان درون می‌برد

(همان: ۵۵)

-تعالی و کمال:

کسانی به مرزهای کمال نزدیک می‌شوند که با نفس به مبارزه بر می‌خیزند و صفات انسانی را در خود پرورش می‌دهند. نظامی حالات و رفتار این افراد را با عبارت «درون پرور» بیان می‌کند:

برق‌روانی که درون پرورند آنچه ببینند بر او بگذرند

(همان: ۵۵)

۲- ٤ نگاشت استعاری بر پایهٔ جهت «برون»

حوزهٔ مبدأ: برون حوزهٔ مقصد: رهایی، آشکارشدن

-رهایی و وارستگی:

نظامی در مخزن الاسرار بر آن است تا حال عارفانی را ترسیم کند که به زبان واژه‌ها قابل ذکر نیستند. رهایی از قید دلبستگی‌ها، ترک خود و روی‌گردانی از منیّت از جملهٔ این حالات است که با استعارهٔ جهتی «برون» قابل درک است:

پرده برانداز و برون آی فرد گر منم آن پرده به هم درنورد

(همان: ۲)

هنگامی که عارف سالک راه رهایی را نمی‌داند یا عوامل دنیوی مانع از وارستگی او می‌شود، شاعر نمی‌تواند حال او را به طور مستقیم بیان کند؛ از این رو در بیت زیر راه برون آمدن را در مفهوم رهایی به کار می برد:

گرچه درین حلقه که پیوسته‌اند راه برون آمدنم بسته‌اند

(همان: ۱۲)

ترک خود و رهایی از خواهش‌های جسمانی و نفسانی و مفاهیم نزدیک به این مفهوم، همگی در مخزن‌الاسرار نظامی با استعارهٔ جهتی «برون» بیان شده است: سر ز گریبان طبیعت برون (ص: ۵)؛ خواستم از پوست برون آمدن (ص: ۱۲)؛ لاجرم از پرده برون آمدی (ص: ۳۲)؛ ورنه برون آی چو موی از خمیر(ص: ۳۸)؛

-آشکارشدن:

استعارهٔ جهتی «برون» در بیت زیر بیانگر آشکارشدن است:

گر نه ز صبح آینه بیرون فتاد نور تو بر خاک زمین چون فتاد

(همان: ۱۷)

در عبارت زیر نیز مفهوم آشکار شدن با کمک استعارهٔ جهتی بیان شده است: تا چه برون آید از این پرده راز(ص: ۳۰)؛

-جهان آخرت:

گاه نظامی برای بیان مفهوم «جهانی فراتر از دنیای مادی» از استعارهٔ جهتی «بیرون» استفاده می‌کند: قبل از اینکه خود از جهان مادی کوچ کنی توشه‌ای برای جهان آخرت بفرست که مفهوم جهان آخرت با تعبیر «بیرون فرستادن» بیان شده است:

پیش‌تر از خود بُنه بیرون فرست توشهٔ فردای خود اکنون فرست

(همان: ۳۶)

-رشد و تعالی:

آنجا که شاعر آدمی را در حالی ترسیم می‌کند که سر از عرش برون آورده؛ یعنی جهت «برون» بیانگر حالتی از عروج آدمی را روایت می‌کند؛ جهت «برون» به دلیل موقعیت مکانی، رشد و تعالی را قابل درک می کند. مخاطب به سهولت در می‌یابد که سر برون آوردن یک موقعیت مکانی برای بیان رشد و ترقی و رهایی است و چنین فردی در نبرد میدان نفس، سربلند برون آمده است:

هرکه سر از عرش برون می‌برد گوی ز میدان درون می‌برد

(همان: ۵۵)

۲- ۵ نگاشت استعاری بر پایهٔ جهت «دور»

حوزهٔ مبدأ: دور حوزهٔ مقصد: بی‌حاصلی، معنویت، بی‌توجهی

-بی‌حاصلی:

پیش از اینکه کرم خداوند شامل حال موجودات شود، همه بی‌حاصلی و بیهودگی بود، چنانکه خار از گل و نی از شکر، دور بود، یعنی نی خاصیت شکر شدن نداشت. «دور بودن» بیانگر موقعیتی مکانی است که تداعی‌کنندهٔ فاصله گرفتن از چیزی است و شاعر از این مفهوم مکانی استفاده نموده و مفهوم بی‌حاصلی را با کمک این جهت مکانی قابل درک کرده است:

تا کرمش در تتق نور بود خار ز گل نی ز شکر دور بود

(همان: ۱۱)

-معنویت:

نظامی بر آن است تا با دور کردن جوهریان از عرض، آنان را به معنویت نزدیک کند. برای بیان این مفهوم از استعارهٔ جهتی « دور» استفاده کرده است:

ظلمتیان را بنه بی‌نور کن جوهریان را ز عرض دور کن

(همان: ۱۲)

-بی‌توجهی و محرومیت:

حواس ظاهری در بیت زیر مورد نکوهش است؛ از این حواسی که راهزن تو هستند، فاصله بگیر و به عبارتی، نسبت به آنها، بی‌توجه باش. بی‌توجهی به حواس ظاهری مفهومی است که با استعارهٔ جهتی قابل لمس شده است:

دور شو از راهزنان حواس راه تو دل داند دل را شناس

(همان: ۱۴)

-تفاوت:

گازری با رنگرزی تفاوت چندانی ندارد؛ مفهوم تفاوت و میزان آن با اصطلاح مکانی «دور» بیان شده است:

گازری از رنگرزی دور نیست کلبهٔ خورشید و مسیحا یکیست

(همان: ۱۳)

-پاکی:

نظامی آرزوی پاک‌دامنی دارد. او می‌خواهد دامنش از آلودگی‌ها پاک باشد و هرگز در بند هواهای نفسانی خود نباشد. فاصله گرفتن از آلودگی‌ها و هراس از خودبینی و چند مفهوم نزدیک به این مقوله با استعارهٔ جهتی «دور»، قابل درک و دریافت است. جهان مادی بر من تنگ باشد و پیرامونم از آلودگی پاک باشد:

تنگ جهان بر من مهجور باد گرد من از دامن من دور باد

(همان: ۳۷)

-دنیاگریزی:

در بیت زیر واژآ «دور» به معنای دنیا و فلک است. قصد نظامی، تعلیم دنیاگریزی است و برای بیان این مفهوم، از استعاره زیر استفاده کرده است:

خط به جهان درکش و بی‌غم بزی دور شو از دور و مسلم بزی

(همان: ۴۰)

۲- ٦ نگاشت استعاری بر پایهٔ جهت «نزدیک»:

حوزهٔ مبدأ: نزدیک حوزهٔ مقصد: قرب حق

-قرب حق:

نظامی بر آن است تا مقام قرب حق را در بیت زیر ترسیم کند. این مقام با بیان مستقیم، قابل تفهیم نیست؛ لذا از استعارهٔ جهتی«نزدیک» استفاده می‌کند: ما با ترک خود و قطع وابستگی‌ها به این مقام رسیده‌ایم؛ یعنی پیش تو آمده‌ایم درحالی که سر را ترک گفته‌ایم و امیدمان به حق است:

پیش تو گر بی‌سر و پای آمدیم هم به امید تو خدای آمدیم

(همان: ۳)

۲- ۷ نگاشت استعاری بر پایهٔ جهت «پشت»:

حوزهٔ مبدأ: پشت حوزهٔ مقصد: حمایت

-حمایت کردن:

نظامی مفهوم حمایت حق را با واژهٔ «پشت» بیان می‌کند. ارتباط بین مفهوم پشت و تکیه دادن و حمایت سبب شده تا بتوان از این استعارهٔ جهتی برای بیان مفهوم حمایت، سود جست:

پشت قوی گشته از آن بارگاه روی درآورد بدین کارگاه

(همان: ۱۵)

-اتحاد و یکپارچگی:

چرخ، یکپارچه، ظفرساز تو است. نظامی با کاربرد واژهٔ مکانی «پشت» مفهوم یکپارچگی را در شعر زیر بیان کرده است:

چرخ که یک پشت ظفرساز توست نه شکم آبستن یک راز توست

(همان: ۱۱)

-بی‌توجهی:

پشت به خورشید کردن یعنی بی‌توجهی به اعتقادات دین زردشتی است:

روی به دین کن که قوی‌پشتی است پشت به خورشید که زردشتی است

(همان: ۲۲)

۲- ۸ نگاشت استعاری بر پایهٔ جهت «پیش»

حوزهٔ مبدأ: پیش حوزهٔ مقصد: التماس و توجه، آشکار کردن

-توجه و التماس:

جهت «پیش»، اصطلاح مکانی است که مفهوم «توجه کردن» و «التماس» بنده در برابر خداوند را بیان می‌دارد. بنا بر تعریف استعارهٔ مفهومی: «استعاره‌ها دربرگیرندهٔ مفهوم‌سازی یک موضوع یا تجربه بر پایهٔ شاخص‌های یک موضوع یا تجربهٔ دیگر است» (پناهی، ۱۳۹۵: ۲۳). در بیت زیر، مفهوم انتزاعی «ملتمس درگاه حق» چگونه می‌تواند قابل درک باشد؟ مخاطب چگونه می‌تواند درگاهی متصور شود که بنده بدان ملتمس شده است؟ این امر فقط با استفاده از استعارهٔ مفهومی- جهتی قابل بیان است. جهت «پیش» که امری ملموس است مفهومی انتزاعی را عینیت می‌بخشد؛ چه کسی مانند ما دست پیش دارد؛ یعنی ملتمس درگاه حق، مثل ما چه کسی می‌تواند باشد؟

دست چنین پیش که دارد که ما زاری از این بیش که دارد که ما

(همان: ۱۳)

-آشکار شدن:

آن‌چه در پیش می‌افتد، آشکار می‌شود. آینه آنچه را پیش می‌افکند؛ یعنی آشکار می‌کند. عیب را آینه آشکار می کند و مفهوم آشکار کردن با استعارهٔ جهتی«پیش» قابل درک است:

چشم فرو بسته‌ای از عیب خویش عیب کسان را شده آیینه پیش

(همان: ۳۸)

نظامی در عبارت «هر دو به صراف سخن پیش داشت» (ص: ۱۳)، «روز پسین جمله بیارند پیش» (ص: ۱۴) نیز مفهوم آشکار شدن را عینی کرده است.

۳- نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی استعاره‌های مفهومی-جهتی در راستای بیان برخی از مفاهیم انتزاعی در مخزن‌الاسرار، می‌توان گفت نظامی توانسته بسیاری از مفاهیم را متناسب با جهات ششگانه بیان کند. مفاهیمی مثل ارزشمندی، تسلط، کمال و برتری با استعارهٔ جهتی «بالا» و واژگان مرتبط با آن مثل آتش و سر و ... بیان شده است. جهت «بالا» به دلیل موقعیت مکانی و زمینهٔ فرهنگی و تجارب ملموس آدمی، مقصد مناسب برای بیان مفاهیمی در حوزهٔ ارزشمندی است. استعارهٔ جهتی «زیر» و کلمات مرتبط با آن مثل پای و خاک نیز برای بیان مفاهیمی مثل بی‌ارزش بودن، پستی و دنیای دون به کار رفته است. نظامی دو استعارهٔ جهتی «برون» و «درون» را برای بیان حالات سالکان، بیشتر استفاده کرده‌است. «برون» تداعی‌کنندهٔ مفاهیمی مثل رهایی از وابستگی‌ها، جهان آخرت، آشکارکردن و رشد است و جهت «درون» حالات قلبی عارف را به تصویر می‌کشد؛ مثل تعالی، مبارزه با نفس، معنویت، حالت مراقبه و مکاشفه و بهره مندی. دو واژهٔ جهتی «دور» و «نزدیک» نیز به ترتیب برای قابل درک کردن مفاهیمی مثل پاکی،

دنیاگریزی، تفاوت، بی‌توجهی و معنویت، و «نزدیک» برای درک مفاهیمی مثل قرب حق به کار رفته‌اند. می‌توان اذعان کرد که نظامی توانسته با استفاده از جهات ششگانه، مفاهیم انتزاعی ذهن خود به ویژه مفاهیمی عرفانی و حکمی را متناسب با این استعارهٔ جهتی بیان کند.

منابع

بهنام، مینا، (۱۳۸۹)، «استعارهٔ مفهومی نور در دیوان شمس»، ***نشریهٔ نقد ادبی***، سال چهارم، شمارهٔ ۱۰، صص ۹۱-۱۱۴.

پناهی، نعمت‌الله، (۱۳۹۶)، «استعارهٔ مفهومی؛ الگوی ادراکی تجربهٔ عرفانی در عقل سرخ سهروردی»، ***نشریه کاوش نامهٔ زبان و ادبیات فارسی***، شمارهٔ ۳۵، صص ۱-۲۹.

پور ابراهیم، شیرین و غلفام، ارسلان و آقاغلزاده، فردوس و عالیه کرد زعفرانلو، کامبوزیا، (۱۳۹۲)، «بررسی زبان‌شناختی استعارهٔ جهتی بالا / پایین در زبان قرآن رویکرد معنی‌شناسی شناختی»، ***مجلهٔ انجمن ایرانی زبان وادبیات عربی***، شمارهٔ ۱۲، صص ۵۵-۸۱.

ثروتیان، بهروز، (۱۳۸۲)، ***اندیشه‌های نظامی گنجه‌ای***، تبریز: نشر آیدین.

حضرتی، یوسف و یوسفی‌راد، فاطمه و روشن، بلقیس و احمدخانی، محمدرضا (۱۳۹۵)، ***درآمدی بر مفاهیم معنی شناسی شناختی(استعاره و طرحواره‌های تصوری)***، انتشارات پارلاق قلم.

راسخ مهند، محمد، (۱۳۹۶)، ***درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی نظریه‌ها و مفاهیم***، تهران: نشر سمت.

زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۲)، ***پیرگنجه در جستجوی ناکجاآباد***، تهران: نشر سخن.

قائمی نیا، علیرضا، (۱۳۹۳)، ***استعاره‌های مفهومی در آیات قرآن، زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی***، تهران: نشر هرمس.

لیکاف، جرج و جانسون، مارک (۱۹۹۲)، ***استعاره‌هایی که با آنها زندگی می کنیم***، ترجمهٔ هاجر ابراهیمی، تهران: نشر علم.

نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف، (۱۳۸۳)، ***خمسهٔ نظامی***، به تصحیح وحید دستگردی، تهران: نشر طلایه.

هاشمی، زهره، (۱۳۸۹)، «نظریهٔ استعارهٔ مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون»، ***نشریهٔ ادب‌پژوهی گیلان***، شمارهٔ ۱۲، صص ۱۱۹-۱۳۹.

هوشنگی، حسین و سیفی پرگو، محمود، (۱۳۸۸)، «استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زبان‌شناسی شناختی»، ***پژوهش‌نامهٔ علوم و معارف قرآن کریم***، سال اول، شمارهٔ سوم، صص ۹-۳۴.

یگانه، فاطمه و افراشی آزیتا(۱۳۹۵)، «استعاره‌های جهتی در قرآن از منظر زبان‌شناسی شناختی»، ***پژوهشنامهٔ علوم و معارف قرآن کریم***، سال اول، شمارهٔ سوم، صص ۹-۳۴.

Lakoff, George and Mark Johnson, (1980), ‘Conceptual metaphor in Everyday Language’, ***The Journal of Philosophy***, Volume 77, Issu 8. New York, pp. 453-486

Lakoff, G, (2006), *The Conceptual Metaphor, Contemporary of metaphor* ,in Dirk Geeraert Ed. CognItIve linguistics: Basic reading Berlin and New York: Mouton.

Lakoff, G, (1980), ***Metaphors We Live***, *By* Chicago: University of Chicago Press.